

طراحی نظام پلیس جامعه‌محور با تأکید بر پیشگیری از جرم

محمد قصری¹، محمد بازرگان²، بهرام نوروزی³

تاریخ دریافت: 92/02/11

تاریخ پذیرش: 92/06/21

از صفحه 33 تا 60

چکیده

این تحقیق در پی تبیین نظام مناسب پلیس جامعه‌محور پیشگیری از جرم برای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (پلیس پیشگیری) است، از این رو مطالعات اسنادی و تاریخی برای ارائه چارچوب نظری و مطالعات تطبیقی برای دستیابی به ویژگی‌های الگوی مطلوب، با تمرکز در تدوین و به‌دست آوردن نظر خبرگان انجام شده است. مسئله تحقیق حاضر این است که؛ نظام مناسب پلیس جامعه‌محور پیشگیری کننده از جرم برای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (پلیس پیشگیری) چیست؟ برای ارائه نظام مناسب با استفاده از تفکر سیستمی، ویژگی‌های نیروی انتظامی ج.ا.ا به‌عنوان ورودی سامانه و ویژگی‌های پلیس جامعه‌محور پیشگیری کننده از جرم، به‌عنوان خروجی سامانه در نظر گرفته شده و فرایند دگرگونی پلیس فعلی به پلیس جامعه‌محور، با در نظر داشتن تأثیر محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق حاضر با توجه به اهداف آن از نظر نوع تحقیق، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است و جامعه آماری آن را فرماندهان و مدیران عالی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و همکاران علمی پلیس پیشگیری تشکیل می‌دهند و نمونه‌گیری به‌صورت هدف‌مند انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در نظام پیشنهادی؛ مولفه‌های ساختاری، رویکردی، فردی و آموزشی پلیس فعلی با تغییر نگرش به پلیس جامعه‌محور پیشگیری از جرم، ارتقاء می‌یابند. همچنین در نظام پیشنهادی، گستره محیط امنیتی در ارتباط دوسویه با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده و به ترتیب با درجه اهمیت 0/30، 0/27، 0/23 و 0/20 قرار دارند.

کلید واژه‌ها

پلیس، پلیس جامعه‌محور، پیشگیری از جرم، ویژگی‌های ساختاری، ویژگی‌های رویکردی، ویژگی‌های فردی.

1 - دانشیار مدیریت راهبردی دانشگاه علوم انتظامی امین.

2 - استادیار مدیریت دانشگاه جامع امام حسین (ع).

3 - دکتری مدیریت گرایش سیستم‌ها از دانشگاه جامع امام حسین (ع) (نویسنده مسئول: ppdt@police.ir).

جرم به‌عنوان یک آسیب جامعه در مفهوم عام، مولد اجتماع و از توابع زندگی اجتماعی است. اکنون تقریباً بر همگان ثابت شده که این پدیده با وجود واپایش‌های جدی، در تمام جوامع در حال روی دادن است و اتخاذ سیاست‌های گوناگون واپایش اجتماعی تنها بر کاهش میزان و شدت آن مؤثر است و منجر به انقراض نسل مجرمان نخواهد شد. علت این امر، ساختار خاص جوامع و تضادهای اجتماعی است که ناخواسته منجر به شکل‌گیری زمینه‌های وقوع جرم می‌شود. تفاوت در ساختار و مسائل اجتماعی نیز منجر به ارتکاب جرایم گوناگون در مناطق مختلف می‌شود.

پیش‌گیری از جرم یکی از جلوه‌های سیاست داخلی است که ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی حاکم بر جوامع بشری دارد و مؤلفه‌ای مؤثر و مهم در ایجاد جامعه امن است. برای دسترسی به امنیت در جامعه، شناخت فرایندهای اجتماعی ناهمگون با ارزش‌های موجود و پیامدهای آن و سرانجام، جلوگیری از رشد این فرایندها از طریق تدوین و اجرای برنامه پیش‌گیری از جرم، امری ضروری است. امروزه در نظام‌های پیشرفته، تدوین برنامه پیش‌گیری از جرم، اهمیت زیادی یافته است.

یکی از روش‌های هم‌سوسازی اقدامات جاری نهادهای دولتی و خصوصی با آموزه‌های پیش‌گیری از جرم، رویکرد «واپایش پلیسی جامعه‌محور» است. این رویکرد که از دهه هشتاد قرن بیستم میلادی حیات دوباره یافته و نظریه‌پردازی شده است، تدابیر پیش‌گیرانه نهاد پلیس را وارد مرحله‌ای جدید کرده که در آن، پلیس علاوه بر بهره‌گیری از ابزارهای ترسیم‌شده در نظام عدالت کیفری، تلاش می‌کند که از همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و اجتماعی و شهروندان، در راستای پیش‌گیری از جرم استفاده کند.

نکته قابل توجه این که، از یک طرف ضرورت و اهمیت استفاده از روش علمی و پژوهشی برای ارائه نظام مناسب پلیس جامعه‌محور در نیروی انتظامی ج.ا.ا و همکاری مردمی در پیش‌گیری از جرم و تأمین نظم و امنیت و از طرف دیگر، فقدان پاسخگویی مورد انتظار در استفاده از روش‌های موجود و تحقیقات انجام شده در این زمینه با توجه به تفاوت هدف و محیط تحقیق، ضرورت انجام این تحقیق را آشکار می‌کند.

هرچند نیروی انتظامی که وظیفه پیش‌گیری از وقوع و کشف جرم را به عهده دارد،

تلاش کرده تا از مشارکت مردمی در حفظ نظم و امنیت بهره‌مند شود، اما تاکنون نتوانسته از حداکثر توان موجود استفاده کند. آنچه که می‌تواند این هدف را تحقق دهد، رویکرد پلیس جامعه‌محور با تأکید بر پیش‌گیری مردمی از جرم است. بنابراین، مسئله این تحقیق این است که؛ نظام مناسب پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری‌کننده از جرایم برای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (پلیس پیش‌گیری) چیست؟ تا با طراحی این نظام از طریق مشارکت و همکاری مردم در امر پیش‌گیری به وضع مطلوبی دست یافت.

پیشینه تحقیق

با بررسی اجمالی متون و اسناد موجود در ارتباط با موضوع تحقیق و مراجعه با پایگاه‌های اطلاعاتی در پایگاه‌های IRANDOC، نظام استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) و بانک اطلاعات نشریات کشور (MAGIRAN)، مشخص شد که در داخل کشور تحقیقاتی که به طور مستقیم با موضوع تحقیق مرتبط باشد، صورت نگرفته است و عمده تحقیقات در خصوص موضوعاتی مانند تعامل پلیس و مردم، تعامل پلیس و مدارس و مشارکت همگانی است که به نوعی به پلیس جامعه‌محور مربوط می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

پیش‌گیری از جرم¹: جرم² به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (ماده 2 قانون مجازات اسلامی، مصوب 1370).

پیش‌گیری از جرم عبارت از؛ پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن است (نوروزی و همکاران، 1390: 276). همچنین انواع پیش‌گیری از جرم عبارتند از؛ پیش‌گیری اولیه، ثانویه، ثالث، کوتاه مدت، بلند مدت، انفعالی، فعال، کیفری، غیر کیفری، قضایی، انتظامی، وضعی، اجتماعی و... (بیات و همکاران، 1387: 50).

1- Crime prevention

2- Crime



پلیس و رویکردهای آن¹: پلیس، سازمان دولتی مسئول پیشگیری، کشف و تعقیب جرایم و رفع مزاحمت برای افراد یا عموم مردم است (وبستر، 1978: 889).

تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... در چند سده اخیر بر رویکردهای پلیسی نیز همانند سایر رهیافت‌ها اثر گذاشته و سیر تحول و بهبود را طی کرده است، به طوری که می‌توان به چهار نوع تقسیم‌بندی مبتنی بر روش‌های انجام مأموریت‌های امنیتی به شرح زیر اشاره کرد:

1- رویکرد سیاسی: این رویکرد با ماهیت اقتدارگرایانه بر محور حمایت از منافع و امنیت طبقه حاکم و مراقبت از حکومت قرار دارد. دوران وجودی این نوع پلیس در اوایل قرن هجدهم بوده است. امروزه پلیس با چنین مأموریتی قابل قبول مردم کشورها نیست (لیپست، 1382: 446).

2- رویکرد حرفه‌ای: در این رویکرد، پلیس با توجه به زمینه‌های تکوین و پیدایش جرایم و بزه‌های جدید و تخصص‌های مورد نیاز شکل می‌گیرد. پلیس حرفه‌ای اولین بار در سال 1829 میلادی در بریتانیا در شهر لندن تأسیس شد (لیپست، 1382: 447). تقسیم‌بندی‌های متعددی در این زمینه وجود دارد، یک نوع تقسیم‌بندی کلی شامل پلیس اداری و قضایی است. پلیس اداری سعی دارد با اتخاذ تدابیر و اقدامات تأمینی از وقوع جرایم و تخلفات جلوگیری کند، در صورتی که پلیس قضایی عهده‌دار کشف و تعقیب جرایم و تسلیم مجرمان به مرجع قضایی صلاحیت‌دار است (انصاری، 1374: 31). تقسیم‌بندی دیگر شامل، پلیس عمومی و اختصاصی است که بر این اساس، پلیس عمومی وظیفه حفظ نظم عمومی و پلیس اختصاصی وظایف خاص از قبیل؛ راهنمایی و رانندگی، آتش‌نشانی، راه‌آهن، گمرک، مواد مخدر و... را به عهده دارد (طباطبایی مومنی، 1384: 22).

3- رویکرد دموکراتیک: اگرچه هیچ تعریف ساده یا کاملاً پذیرفته شده‌ای از پلیس دموکراتیک وجود ندارد، با این حال همه نظام‌های پلیسی دموکراتیک در این آرمان سهیم هستند که اختیارات پلیس باید بنا بر حکم قانون اعمال شوند و قدرت دولت باید به شیوه‌ای خویشتن‌دارانه و متناسب با مسئله به کار برده شود. برخی از شیوه‌ها مانند شکنجه

1- Police

و اعدام خارج از تشریفات و مقررات، آدم‌ربایی و آزار رساندن به خانواده فرد مظنون، در هر شرایطی ممنوع هستند و روش‌های دیگر مثل استفاده از زور، محرومیت از آزادی یا بازپرسی، باید با اجرای مناسب مراحل قانونی دادرسی صورت پذیرند.

این پرسش که چه اعمالی بیشتر موجب ایجاد پلیسی دموکراتیک می‌شوند (به طور مثال، میزان تمرکز نیرو، دامنه تخصص، اولویت دادن به درون یا بیرون، میزان نزدیکی به شهروندان و وسعت قوه تشخیص)، از دیرباز موضوع مجادلات پرشور در میان نظریه-پردازان دموکراسی بوده است، اما این نکته روشن است که تشکیل پلیس دموکراتیک می‌تواند به شکل‌های گوناگون انجام شود.

نمونه مطلوب پلیس دموکراتیک از طریق روش‌های سازمانی متنوعی تأمین می‌شود، این روش‌ها عبارت‌اند از:

- 1- تقسیم کار میان کسانی که بازجویی، دستگیر، محاکمه و مجازات می‌کنند؛
- 2- وجود یک ساختار دیوان‌سالارانه شبه نظامی که دامنه آزادی عمل را محدود و مسئولیت‌پذیری ایجاد می‌کند؛
- 3- جدایی پلیس از ارتش و به‌وجود آوردن کارگزاری‌های پلیسی رقیب؛
- 4- تشکیل کارگزاری‌های مستقل (و تفکیک بخش‌های سازمانی) که مراقب رفتار پلیس باشند و برای برخی از اعمال بسیار زحمت‌آور باید مجوز صادر کنند؛
- 5- تعیین هویت پلیس (به عنوان مثال، با استفاده از لباس‌های هم‌شکل همراه با اسامی یا شماره‌های شناسایی و استفاده از خودروهای دارای علائم مشخص، یا در مورد پلیس مخفی که هویتش پنهان است، وجود دادگاهی که در آن جرایم پلیس داوری شود)؛
- 6- چرخش انتصابات (لییست، 1382: 448).

رویکرد جامعه‌محور: پدیده‌های اجتماعی روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شوند و نوع انتظارات مردم از پلیس در دو محور اساسی، یعنی نظم و تأمین امنیت جامعه نیز وارد مرحله جدیدی شده است، به‌گونه‌ای که پلیس دیگر نمی‌تواند با راهبردهای سنتی و واکنش سرکوب‌کننده به چنین انتظاراتی پاسخ به‌موقع و مثبت دهد. بنابراین پلیس



چنانچه بخواهد در این میان به موفقیتی دست یابد، باید گروه‌های مختلف جامعه را بر اساس سازوکارهای مشخص با خود همراه کند (قهرمانی، 1390: 8).

رویکرد جامعه‌محوری پلیس، مشارکت ضابطان قانون و جامعه را در شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آنها و پیدا کردن راه‌حلهایی که مشکل را به‌طور دائم از بین برده یا کاهش می‌دهد، بر می‌انگیزد (ترویانوویچ و همکاران، 1383: 3).

اندیشه پلیس اجتماعی که بعد از 1980 در امریکا رواج یافت، نشانه گسستی از الگوی پلیسی عام، اداری - حرفه‌ای و فنی بود که برای حفظ بی‌طرفی و کارآمدی پلیس، خواستار جدایی او از اجتماع بود. در این الگو، دستگیری‌ها بعد از وقوع جرم صورت می‌گرفتند. در مقابل، هدف از تشکیل پلیس اجتماعی آن است که پلیس در درون یک محله یا منطقه غوطه‌ور شود (به‌طور مثال، با واداشتن مأموران به گشت پیاده در حوزه‌های نگهبانی در محله‌های خاص، به‌جای استفاده از خودروهای گشت‌زنی در نواحی وسیع‌تر). به این ترتیب، مأموران پلیس از اینکه خود را در مقام مدافع اجتماعی می‌بینند دل‌گرم می‌شوند و در حل مشکلات شهروندان ساکن محل با آنان شریک هستند. آنان می‌کوشند که نیازها و مشکلات اجتماعی را پیش‌بینی کرده و در حل آنها دخالت کنند (به‌عنوان مثال، از طریق کمک به افراد مستعد جرم در پیدا کردن کار یا با اِعمال نفوذ برای تأمین روشنایی پارک شهر). طبق الگوی پلیس اجتماعی، پلیس باید انسانی فرانگر باشد تا فردی متخصص و باید دارای سازمانی غیرمتمرکز باشد.

تشکیل پلیس اجتماعی کوششی آشکار برای ایجاد نیروی پلیسی دموکراتیک‌تر است. این کوشش بر این فرض استوار است که مراقبت پلیسی وقتی مؤثرتر خواهد بود که از پشتیبانی و مشارکت جامعه برخوردار باشد و جامعه، جنبه‌های مختلف نقش پلیس در زمینه خدمات اجتماعی و حفظ نظم را به رسمیت بشناسد. البته، این تلاش ممکن است متضمن طرح موضوعات و مسائلی هم باشد، از قبیل اینکه چنین جامعه‌ای چگونه تشکیل می‌شود یا اینکه به چه نحو می‌توان تنش‌های ناشی از داشتن تخصص حرفه‌ای و مشارکت شهروندان را حل کرد.

موفقیت پلیس جامعه‌محور به‌شدت تحت تأثیر عوامل درون‌سازمانی و محیط برون‌سازمانی است. برای این که رکن اصلی پلیس جامعه‌گرا یعنی مشارکت مردم، هم در

درون سازمان پلیس و هم در جامعه، نهادینه و عملیاتی شود، مستلزم تبیین و فراهم آمدن سازوکارها و الزامات مشارکت مردم در امور انتظامی برای پیشگیری از وقوع جرم است. یکی از اساسی‌ترین سازوکارها و الزامات در این راستا، کیفیت کارکردهای پلیس در سطوح مدیران عالی و میانی و نیروهای خط مقدم، یعنی گشتی‌های پلیس است که در سرمایه اجتماعی پلیس یعنی اعتماد نمایان می‌شود. بنابراین اگر اعتماد مردم به پلیس افزایش و توسعه یابد، اقبال و مشارکت هدفمند مردم در امور انتظامی جامعه نیز رنگ دیگری خواهد گرفت (قهرمانی، 1390: 8).

به نظر می‌رسد رویکرد پلیس جامعه‌محور، رویکردی است که بر اساس آن «پلیس» و «جامعه» طی یک کنش و واکنش متقابل و سازنده در راستای پیش‌گیری از وقوع جرایم یا کاهش آماج جرم اقدام می‌کنند که حاصل این رویکرد، ایجاد و استقرار نظم، ایمنی و احساس امنیت در جوامع انسانی است که مطلوب و مقصود هر دو طرف نیز هست.

بنابراین پلیس جامعه‌محور عبارت است از؛ خط مشی و راهبردی که با هدف دستیابی به واپایش مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت (امنیت روانی)، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه شکل گرفته است و درصدد تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز است. این امر مستلزم مسؤلیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن فعال و بیشتر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مدنی است (ترویانویچ و همکاران، 1383: 29).

عناصر تشکیل دهنده پلیس جامعه‌محور:، باتوجه به مدل لیوت،¹ راهبرد پلیس جامعه‌محور، ساختار سازمانی پلیس جامعه‌محور، فناوری پلیس جامعه‌محور، راهبرد منابع انسانی پلیس جامعه‌محور و عوامل محیطی، عناصر مؤثر بر شکل‌گیری پلیس جامعه‌محور هستند. از آن‌جا که پلیس جامعه‌محور متأثر از فرهنگ سازمانی پلیس است، بنابراین ابتدا فرهنگ مناسب و ضروری برای پلیس جامعه‌محور و سپس نوع ساختار، نوع فناوری و راهبرد منابع انسانی مناسب پلیس جامعه‌محور تعریف می‌شود. در این چارچوب، رابطه بین عناصر تشکیل دهنده سازمان پلیس همه‌جانبه است. به عبارت دیگر، فرض بر این است که رابطه‌های راهبرد پلیس، راهبرد منابع انسانی،

1 - Liot



ساختار و فناوری با هم به صورت خطی نیست، بلکه دوطرفه و متقابل هستند.

ساختار سازمانی پلیس جامعه‌محور: سازمان‌ها برای افزایش اثربخشی باید ساختار خود را با راهبردهای سازمان متناسب کنند. برنز و استاگر¹ (2001) برای ساختارهای مدیریت دو وجه ویژه به شرح زیر قائل شدند:

نوع اول، سازمان‌های مکانیکی هستند. در این سازمان‌ها، سلسله مراتب معین بوده و مسئولیت اطلاعات کلی و ایجاد هماهنگی در راس سازمان‌ها متمرکز است و بر ارتباط و تعامل عمودی و همچنین توجه به رؤسا و تبعیت از آنان به شدت تأکید می‌شود. نوع دوم، سازمان‌های ارگانیکی هستند که سطوح مدیریت در آن کاهش می‌یابد.

مطالعات نشان می‌دهد که در سازمان‌های پلیسی، هرگاه اداره امور پلیسی در دوران اصلاحات بوده، ساختاری متمرکز و مکانیکی داشته است و بر عکس در دوران جامعه محوری که سازمان پلیس به‌دنبال استفاده از نیروهای مردمی در اجرای وظایف خود بوده، ساختار خود را ارگانیک طراحی کرده است. به عبارت دیگر، ساختار هر سازمانی باید با مأموریت آن سازمان و ماهیت کاری که اعضای آن باید انجام دهند، تناسب داشته باشند. ساختار سازمان پلیس سنتی، برای کارهای روزمره و تکراری بیشتر مناسب است و چندان سنخیتی با اختیارات و خلاقیتی که لازمه پلیس جامعه‌محور است، ندارد. ولی از آنجا که این ساختار برای پلیس جامعه‌محور کارایی لازم را ندارد، در این راستا حذف سطوح مدیریت و تلاش برای سرعت دادن به روند تصمیم‌گیری و اجرا، برای پلیس جامعه‌محور مفید است (مجیدی، 1385: 162-172).

اصول پلیس جامعه‌محور: صاحب‌نظران، اصول ده‌گانه‌ای را برای رویکرد پلیس جامعه‌محور بیان کرده‌اند که مبانی کلی آنها با یکدیگر مشابه هستند. در این‌جا نمونه‌ای از این اصول ده‌گانه به شرح زیر ذکر می‌شود.

اصل اول: رویکرد پلیس جامعه‌محور فلسفه‌ای مبتنی بر جامعه است.

اصل دوم: رویکرد پلیس جامعه‌محور بر حل مسئله به‌صورت خلاق و ابتکاری تأکید دارد.

اصل سوم: رویکرد پلیس جامعه‌محور بر افزایش اعتماد تأکید دارد.

1 - Berenz and stager

اصل چهارم: در این رویکرد برای ضابطان قانون نقش وسیع‌تری در نظر گرفته می‌شود.

اصل پنجم: این رویکرد بر درگیر شدن جامعه در حل مشکلات خود تأکید دارد و می‌خواهد که شهروندان، خود در روند حل مسائل مشارکت داشته باشند.

اصل ششم: پلیس جامعه‌محور فعال است و به‌صورت انفعالی عمل نمی‌کند.

اصل هفتم: پلیس جامعه‌محور آماده است تا هر کجا که کمک نیاز است، برای خدمت بشتابد.

اصل هشتم: پلیس جامعه‌محور روند ارائه خدمات به روش سنتی را از طریق تعامل با جامعه تقویت می‌کند.

اصل نهم: رویکرد پلیس جامعه‌محور، تمام افراد ضابط قانون را دربر می‌گیرد.

اصل دهم: این رویکرد، ارائه خدمات در راستای انجام وظیفه به‌عنوان ضابط قانون را به صورت ارتباط مستقیم با مردم فراهم ساخته است (ترویانوویچ و همکاران، 1383: 4-5).

چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق از بین انواع پیشگیری از جرم، با استعانت از راهبرد اسلامی پیشگیری، مبنی بر اولویت دادن به پیشگیری از کج‌روی‌ها در مقایسه با راهبرد کیفری و تجارب حاصل از اعمال سایر پیشگیری‌ها در کشور ما و پلیس کشورهای دیگر، پیشگیری غیرکیفری انتخاب شد. پیشگیری غیرکیفری درصدد است تا از طریق به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی که یک سلسله جرایم مشابه در آن به‌وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد، از وقوع جرم جلوگیری کند (میرخلیلی، 1378: 20-21). در جریان مطالعه پیشگیری غیرکیفری، پیشگیری وضعی و اجتماعی به‌عنوان زیرمجموعه‌های این نوع از پیشگیری، مورد توجه قرار گرفته‌اند. پیشگیری وضعی شامل تدابیر و روش‌هایی است که برای کاهش فرصت به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود و نیازمند طراحی و مدیریت محیط مستقیم (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت هر چه پایدارتر و سازمان یافته‌تر محل وقوع جرم است، به گونه‌ای که سختی و خطر اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد و سودانگاری مجرمانه را پایین می‌آورد (صفاری، 1380: 292).

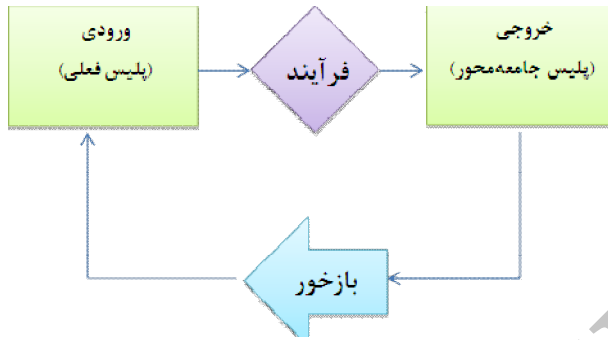


با عنایت به موارد فوق و پس از بررسی سوابق، منابع و با استفاده از تئوری سیستم‌ها (رابینز، 1379: 33)، مقایسه شاخص‌های پلیس جامعه‌محور و پلیس سنتی (کارن و لیندا، 1382: 47)، ساختار سازمانی پلیس جامعه‌محور (مجیدی، 1385: 162-172) و اصول و عناصر پلیس جامعه‌محور (ترویانوویچ و همکاران، 1383: 41-57) و توجه به فراوانی منابع موضوعات عام مرتبط و کمبود منابع راجع به موضوعات خاص این تحقیق، «طراحی نظام پلیس جامعه‌محور با تأکید بر پیشگیری از وقوع جرم» به شرح زیر انجام شد:

منظور از سامانه (نظام)، اجزای به هم پیوسته و مرتبط به هم است که به نحوی تنظیم شده‌اند که یک کل مجزا از تک تک اجزا را به وجود می‌آورند. به طور معمول، سامانه‌ها را به سامانه‌های باز و سامانه‌های بسته طبقه‌بندی می‌کنند. سامانه‌های بسته با محیط خود رابطه ندارند، ولی سامانه‌های باز به طور مداوم با محیط خود در ارتباط هستند (رابینز، 1379: 30). سامانه مورد نظر ما در این تحقیق، سامانه باز است.

همه سامانه‌ها (نظام‌ها) دارای سه عنصر نهاده (ورودی)، فرایند تبدیل و ستاده (خروجی) هستند (رابینز، 1379: 33). ورودی‌های سامانه، منابعی هستند که از محیط وارد سامانه شده و محرک آن می‌باشند و نیازهای عملیاتی آن را برطرف می‌کنند. میان‌داد به نوع خاصی از حرکت گفته می‌شود که گام به گام صورت می‌گیرد و هر گام به خروجی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، ورودی‌های ما در میان‌داد، با تغییراتی که بر روی آنها انجام می‌گیرد، به خروجی مورد نظر تبدیل می‌شوند. در نظام مورد نظر، میان‌داد توسط مؤلفه‌های آموزشی خاصی به خروجی مطلوب تغییر شکل می‌یابد. در واقع در این مرحله، سازمان به هدف از پیش تعیین شده خود می‌رسد.

یکی از ویژگی‌های آشکار یک سامانه باز، آگاهی آن از روابط بین خود و محیط است. مرزی وجود دارد که سامانه را از محیطش جدا می‌کند. سامانه‌ها به طور مداوم از محیط خود اطلاعات دریافت می‌کنند، این دریافت اطلاعات، سامانه را در جهت انطباق خود با شرایط کمک کرده و آنها را در پیگیری اقدامات اصلاحی انحرافات حاصله از جریان از پیش تعیین شده، یاری می‌دهد. این فرایند دریافت اطلاعات محیطی را بازخورد می‌نامیم (رابینز، 1379: 33). در شکل زیر روند این نظام نشان داده شده است.



نمودار 1: نظام پلیس جامعه‌محور به تفکیک اجزا

ورودی‌های نظام پلیس جامعه‌محور با تأکید بر پیش‌گیری از وقوع جرم شامل؛ مؤلفه‌های ساختاری (ترویانیویچ و همکاران، 1383: 30-31)، رویکردی (کارن و لیندا، 1382: 47) و ویژگی‌های فردی (مجیدی، 1385: 162-172) است.

اولین بخش از ورودی، مؤلفه ساختاری را در برمی‌گیرد. مؤلفه‌های ساختاری به سلسله مراتب مختلف یا سطوح متفاوت در یک نظام اطلاق می‌شود. در این تحقیق منظور از ویژگی‌های ساختاری عبارت از؛ تمرکز، سلسله مراتب، تفویض اختیار، وحدت در فرماندهی، خودکفایی در مأموریت، تقسیم کار مشخص، وحدت هدف سازمان، ملموس بودن وظایف پیش‌گیرانه، غلبه بر ستاد و هماهنگی با سایر سازمان‌ها است (ترویانیویچ و همکاران، 1383: 30-31).

دومین بخش از ورودی، مؤلفه‌ی رویکردی را در برمی‌گیرد. مؤلفه رویکردی به تصمیم‌گیری در مورد چگونگی ارائه‌ی یک راه حل، برای رسیدن به هدفی خاص گفته می‌شود. مهم‌ترین رویکردهای پلیسی شامل رویکرد سیاسی، رویکرد حرفه‌ای و رویکرد جامعه‌محوری است (لیپست، 1382: 446). در پژوهش حاضر از بین رویکردهای مورد نظر، رویکرد پلیس جامعه‌محور انتخاب شده است.

سومین بخش از ورودی، به مؤلفه‌های فردی اختصاص دارد. منظور از مؤلفه‌های فردی، ویژگی‌هایی است که باید یک فرد برای ورود به نظامی خاص، حائز آنها باشد. در این تحقیق منظور از ویژگی‌های فردی عبارت از؛ ایجاد کننده فرصت مشارکت، آموزش دهنده، ظاهر آراسته و قدرت بیان (کارن و لیندا، 1382: 236)، قدرت تصمیم‌گیری،



تعهد، مثبت اندیشی، تحمل شکست، مستقل اندیش و خود کنترل (انصاری رنانی و مجیدی، 1387: 3 و 4 و 11)، دارای قدرت حل مسئله و معتمد بودن (حسینی، 1389: 113 و 114)، دارای انگیزه (اتکینسون، 1385: 28)، اخلاق و رفتار اسلامی (کریمی خوزانی، 1389: 98)، تیزفهمی و هوش، برنامه‌ریز و پیش‌بینی‌کننده آینده، پشتکار قوی، اصالت خانوادگی و سابقه مفید خدمتی (جهانتاب و داودی، 1391: 121)، سلامت جسمی و روانی، وسعت نظر، فرصت‌شناسی، قاطعیت در کار، اعتماد به نفس و چالش‌طلبی است.

خروجی شامل، مؤلفه‌های فردی، ساختاری و رویکردی است. گفتنی است که شاخص‌های هر یک از مؤلفه‌های حاضر در خروجی، با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و پس از فعالیت‌های انجام شده در میان‌داد به دست می‌آید. مهم‌ترین محیط‌های تأثیرگذار بر پلیس فعلی و پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری‌کننده از جرم عبارت‌اند از:

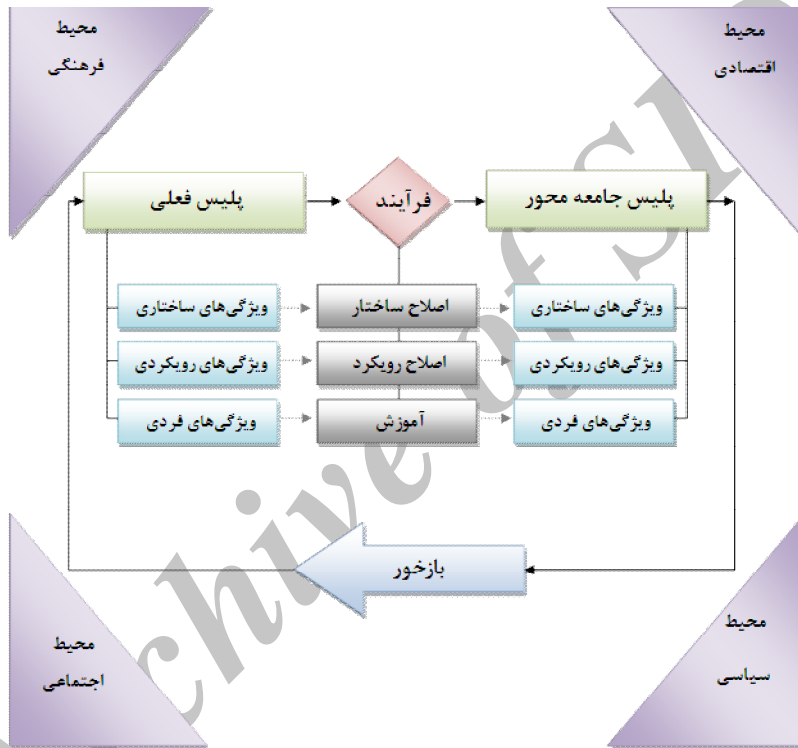
الف) محیط فرهنگی: عبارت از مجموع عوامل انسانی و فرهنگی خارج از حوزه سامانه است، اما نقش و نفوذی انکارناشدنی بر آن دارد. منظور از محیط فرهنگی عبارت است از؛ فضای دینی و مذهبی جامعه، اقلیت‌های مذهبی، آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی، گویش‌های مختلف اجتماع، خودباوری فرهنگی جامعه، اوقات فراغت و سرگرمی جوانان، تأثیرپذیری فرهنگی از سایر کشورها، هویت اجتماعی جوانان و نوجوانان (رابینز، 1379: 177-178).

ب) محیط اقتصادی: به کلیه عوامل اقتصادی همچون اشتغال، درآمد، تورم، نرخ بهره و ثروت که بر رفتار آحاد جامعه تأثیر می‌گذارد، اطلاق می‌شود. در این تحقیق منظور از محیط اقتصادی، درآمد سالانه، نرخ بیکاری و تورم، تحریم‌های اقتصادی و عدالت اجتماعی، وابستگی اقتصادی، دامنه فعالیت بخش‌های خصوصی، توسعه مناطق آزاد تجاری و جهانی شدن اقتصاد و رانت‌گرایی است.

ج) محیط اجتماعی: شامل مجموعه‌ای از گروه‌ها، تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی تأثیرگذار، همچون نهادهای سیاسی، اقتصادی و مذهبی است. در این تحقیق منظور از محیط اجتماعی عبارت است از؛ وسایل ارتباط جمعی و جنبش‌های اجتماعی، مهاجران، مساجد، شبکه‌های اجتماعی مجازی، شوراباری‌های محلات، صنوف، ادارات و سازمان‌ها

و مردم (مشیرزاده، 10:1381).

د) محیط سیاسی: کلیه روابط، تنش‌ها، اقدامات و تصمیمات داخلی و خارجی و بین‌المللی دولت‌ها را شامل می‌شود. در این تحقیق منظور از محیط سیاسی عبارت است از؛ حاکمیت و قدرت سیاسی، تحولات جهانی، تحولات منطقه‌ای، مشارکت سیاسی، تفرقه و درگیری‌های سیاسی، احزاب، آگاهی سیاسی جامعه و تقسیمات کشوری.



نمودار 2: نمونه مفهومی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به اهداف آن از نظر نوع تحقیقات، کاربردی و نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل فرماندهان و مدیران عالی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است و با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی



هدفمند استفاده شده است. با توجه به روش تحقیق، ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته است. برای ساخت پرسش‌نامه با توجه به سؤال‌ها و اهداف تحقیق و ادبیات نظری مرتبط، مدل مفهومی نظام تهیه شد. پس از تعیین روایی مدل، سؤال‌های پرسش‌نامه طراحی و سپس روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری مشخص شد و پرسش‌نامه نهایی برای بهره‌برداری آماده گردید. پاسخ به سؤال‌های این پرسش‌نامه در یک طیف پنج گزینه‌ای لیکرت، شامل تقسیم‌بندی از بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد پیش‌بینی شده است. ابزار اندازه‌گیری تحقیق از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ کلی پرسش‌نامه به میزان 0/80 برآورد شد که پایایی قابل قبول ابزار تحقیق را می‌رساند.

یافته‌های تحقیق

الف) ویژگی‌های (ساختاری - فردی) پلیس: نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که؛

- در ویژگی‌های ساختاری پلیس فعلی، شاخص‌های سلسله مراتب، تمرکزگرایی در ساختار، وحدت در فرماندهی، وحدت هدف سازمان، غلبه صف بر ستاد و هماهنگی با سایر سازمان‌ها، بالای سطح میانگین است که این امر نشان‌دهنده توجه و تأثیر زیاد شاخص‌های مذکور است.
- در ویژگی‌های ساختاری پلیس فعلی، شاخص‌های خود کفایی در انجام مأموریت، اعطای مشاغل بر مبنای شایستگی، داشتن تفویض اختیار، ملموس بودن وظایف پیشگیرانه و برخوردار از نظارت مردمی، پایین‌تر از سطح میانگین است که نشان‌دهنده توجه کمتر به شاخص‌های مذکور است.
- در ویژگی‌های رویکردی پلیس فعلی، شاخص‌های توسل به پیش‌گیری انتظامی، توسل به پیش‌گیری کیفری و حرفه‌ای بودن، بالای حد میانگین است. نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که بر اساس نظر اکثر پاسخگویان، این نیرو برای اجرای مأموریت، بیشتر متوسل به پیش‌گیری انتظامی و کیفری می‌شود و پلیس فعلی، پلیسی حرفه‌ای است.
- در ویژگی‌های رویکردی پلیس فعلی، شاخص‌های توسل به پیش‌گیری اجتماعی،

سیاسی بودن و توسل به پیش‌گیری وضعی، پایین‌تر از حد میانگین است. نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که پلیس فعلی، پیش‌گیری‌های رایج پلیس‌های جامعه‌محور را کمتر مدنظر قرار داده است.

- در ویژگی‌های فردی پلیس فعلی، شاخص‌های تعهد، اصالت خانوادگی، اخلاق و رفتار اسلامی، سلامت جسمی و روانی، سابقه مفید خدمتی، معتمد بودن، قاطعیت در کار، برخوردار از ظاهر آراسته، تلاش و پشتکار قوی، اعتماد به نفس، برخوردار از تیز فهمی و هوش و قدرت تصمیم‌گیری، بالای حد میانگین قرار دارند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که پلیس فعلی دارای اکثر ویژگی‌های عمومی پلیس جامعه‌محور است.

- در ویژگی‌های فردی پلیس فعلی، شاخص‌های چالش‌طلب، مستقل اندیش، ایجادکننده فرصت مشارکت برای مردم، وسعت نظر، مثبت اندیش، دارای انگیزه، برنامه‌ریز و پیش‌بینی‌کننده آینده، قدرت بیان، آموزش‌دهنده، فرصت‌شناس، تحمل‌کننده شکست و ناکامی و قدرت حل مسئله، پایین‌تر از حد میانگین است. نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که این ویژگی‌ها در پلیس فعلی باید تقویت شود.

ب) ویژگی‌های (ساختاری - فردی) پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری‌کننده از جرم:

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که؛

- مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری پلیس جامعه‌محور به ترتیب عبارت از؛ برخوردار از نظارت مردمی، هماهنگی با سایر سازمان‌ها، اعطای مشاغل بر مبنای شایستگی، ملموس بودن وظایف پیشگیرانه، وحدت هدف سازمان، داشتن تفویض اختیار، تقسیم کار مشخص، خودکفا در انجام مأموریت، وحدت در فرماندهی و غلبه صف بر ستاد است.

- از میان ویژگی‌های ساختاری پلیس جامعه‌محور، شاخص‌های سلسله‌مراتبی بودن و تمرکزگرایی در ساختار به دلیل تأثیرگذاری کم، مورد نیاز آن پلیس نیست.

- مهم‌ترین ویژگی‌های رویکردی پلیس جامعه‌محور، به ترتیب عبارت از؛ توسل به



پیش‌گیری اجتماعی و حرفه‌ای بودن است.

- از میان ویژگی‌های رویکردی پلیس جامعه‌محور، رویکردهای توسل به پیش‌گیری کیفری و سیاسی بودن به‌دلیل تأثیرگذاری کم، مورد نیاز آن پلیس نیست.
- مهم‌ترین ویژگی‌های فردی پلیس جامعه‌محور، به ترتیب عبارت از؛ ایجادکننده فرصت مشارکت برای مردم، برخوردار از تیزفهمی و هوش، معتمد بودن، قدرت حل مسئله، دارای انگیزه، قدرت بیان، برخوردار از ظاهر آراسته، اخلاق و رفتار اسلامی، اعتماد به نفس، خودکنترلی، برنامه‌ریز و پیش‌بینی‌کننده آینده، متعهد، با تلاش و پشتکار قوی، دارای وسعت نظر، فرصت‌شناس، واجد سلامت جسمی و روانی، اصالت‌خانوادگی، قدرت تصمیم‌گیری، مثبت‌اندیشی، آموزش‌دهندگی، قاطعیت در کار، تحمل شکست و ناکامی، مستقل‌اندیش، سابقه مفید خدمتی و چالش‌خواهی است.

ج) محیط‌های تأثیرگذار بر نظام پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری‌کننده از جرم:
یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که:

- مهم‌ترین شاخص‌های محیط فرهنگی تأثیرگذار بر پلیس فعلی عبارت از؛ فضای دینی و مذهبی جامعه، اقلیت‌های مذهبی، آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی است.
- کم‌تأثیرترین شاخص‌های محیط فرهنگی پلیس فعلی عبارتند از؛ خودباوری فرهنگی جامعه، اوقات فراغت و سرگرمی جوانان، تأثیرپذیری فرهنگی از سایر کشورها، گویش‌های مختلف و هویت اجتماعی جوانان و نوجوانان.
- مهم‌ترین شاخص‌های محیط اقتصادی تأثیرگذار بر پلیس فعلی عبارت از؛ نرخ تورم، نرخ بیکاری، تحریم‌های اقتصادی، رانت‌گرایی، عدالت اجتماعی، وابستگی اقتصادی و درآمد سرانه است.
- کم‌تأثیرترین شاخص‌های محیط اقتصادی پلیس فعلی عبارت از؛ توسعه مناطق آزاد تجاری، جهانی شدن اقتصاد و دامنه فعالیت بخش‌های خصوصی است.
- مهم‌ترین شاخص‌های محیط اجتماعی تأثیرگذار بر پلیس فعلی عبارت از؛ مساجد،

مهاجران، وسایل ارتباط جمعی، مردم، صنوف، ادارات، سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

- کم‌تأثیرترین شاخص‌های محیط اجتماعی پلیس فعلی عبارت‌اند از: شوراباری‌های محلات و جنبش‌های اجتماعی.
- مهم‌ترین شاخص‌های محیط سیاسی تأثیرگذار بر پلیس فعلی عبارت از: حاکمیت و قدرت سیاسی، تفرقه و درگیری‌های سیاسی، تقسیمات کشوری، آگاهی سیاسی جامعه، تحولات جهانی و تحولات منطقه‌ای است.
- کم‌تأثیرترین شاخص‌های محیط سیاسی پلیس فعلی عبارت‌اند از: شاخص‌های احزاب و مشارکت سیاسی.
- مهم‌ترین شاخص‌های محیط فرهنگی تأثیرگذار بر پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم به ترتیب عبارت از: خودباوری فرهنگی جامعه، اوقات فراغت و سرگرمی جوانان، هویت اجتماعی جوانان و نوجوانان، فضای دینی و مذهبی جامعه، آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی، گویش‌های مختلف، اقلیت‌های مذهبی و تأثیرپذیری فرهنگی از سایر کشورها است.
- مهم‌ترین شاخص‌های محیط اقتصادی تأثیرگذار بر پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم به ترتیب عبارت از: عدالت اجتماعی، درآمد سرانه، دامنه فعالیت بخش‌های خصوصی، جهانی شدن اقتصاد، توسعه مناطق آزاد تجاری، نرخ بیکاری، نرخ تورم، وابستگی اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی است.
- مهم‌ترین شاخص‌های محیط اجتماعی تأثیرگذار بر پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم به ترتیب عبارت‌اند از: مردم، وسایل ارتباط جمعی، مساجد، شوراباری‌های محلات، شبکه‌های اجتماعی مجازی، صنوف، ادارات و سازمان‌ها، جنبش‌های اجتماعی و مهاجران است.
- مهم‌ترین شاخص‌های محیط سیاسی تأثیرگذار بر پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم به ترتیب عبارت‌اند از: آگاهی سیاسی جامعه، مشارکت سیاسی، تقسیمات کشوری، حاکمیت و قدرت سیاسی، تحولات جهانی، تحولات منطقه‌ای،



احزاب و تفرقه و درگیری‌های سیاسی.

د) اقدامات لازم برای تحقق پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم:
یافته‌های به‌دست آمده بیانگر این است که؛

- مهم‌ترین اقدامات ساختاری پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم به ترتیب اولویت به شرح زیر است:
 - 1- اعطای مشاغل بر مبنای شایستگی، 2- برخورداری از نظارت مردمی، 3- کاهش تمرکزگرایی در ساختار، 4- افزایش هماهنگی با سایر سازمان‌ها، 5- افزایش خودکفایی در انجام مأموریت، 6- کاهش سلسله مراتب، 7- ملموس کردن وظایف پیشگیرانه و 8- افزایش تفویض اختیار.
- مهم‌ترین اقدامات رویکردی پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم به ترتیب اولویت شامل؛ 1- توسل به پیش‌گیری اجتماعی و 2- حرفه‌ای بودن است.
- مهم‌ترین ویژگی‌های فردی پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم به شرح زیر است:

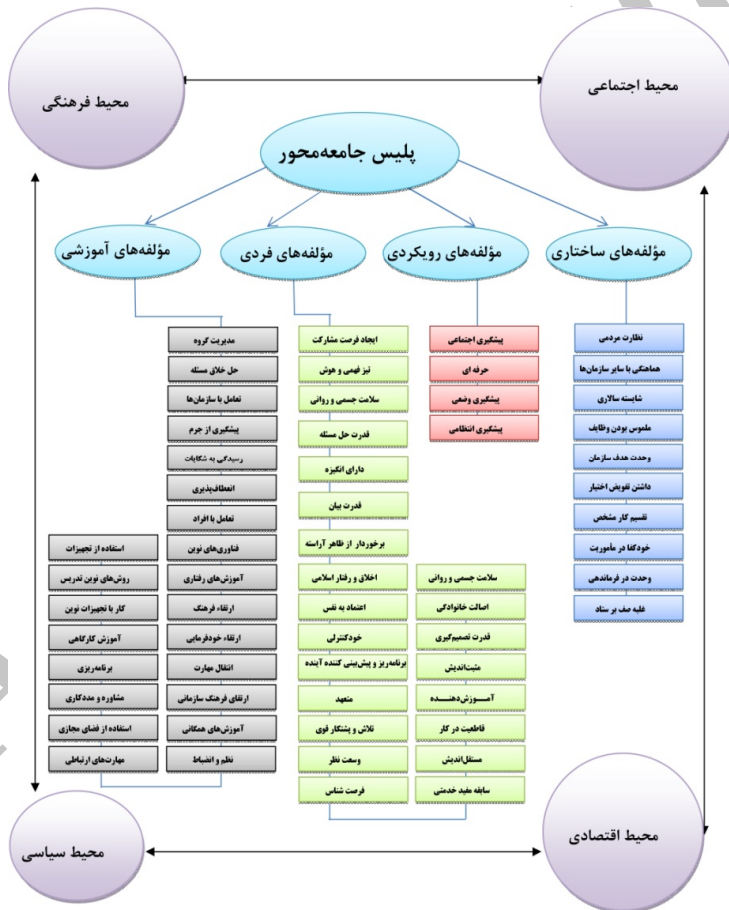
ایجاد کننده فرصت مشارکت برای مردم، دارای انگیزه، وسعت نظر، قدرت بیان، برنامه‌ریز و پیش‌بینی کننده آینده، مثبت اندیش، دارای قدرت حل مسئله، مستقل اندیش، فرصت شناس، خود کنترل، آموزش دهنده، برخوردار از تیز فهمی و هوش، واجد تحمل شکست و ناکامی، معتمد بودن، اعتماد به نفس، دارای قدرت تصمیم‌گیری، برخوردار از ظاهر آراسته، تلاش و پشتکار قوی، اخلاق و رفتار اسلامی، چالش خواهی، سلامت جسمی و روانی، قاطعیت در کار، متعهد بودن.

- مهم‌ترین آموزش‌های لازم پلیس جامعه‌محور پیش‌گیری کننده از جرم عبارت‌اند از:
 - آموزش مهارت‌های ارتباطی، آموزش مشاوره و مددکاری اجتماعی، آموزش استفاده از فضای مجازی، آموزش انعطاف‌پذیری، آموزش حل خلاق مسئله، آموزش نحوه کار با تجهیزات نوین کمک آموزشی، آموزش برنامه‌ریزی، آموزش‌های رفتاری، آموزش نحوه تعامل با افراد، آموزش روش‌های نوین تدریس، آموزش پیش‌گیری از جرم، آموزش نحوه تعامل با سازمان‌ها، آموزش انتقال مهارت، حرکت به سمت آموزش‌های کارگاهی، آموزش‌هایی با

رویکرد ارتقای خودفرمایی، توسل به آموزش‌های همگانی، آموزش آشنایی با فناوری‌های نوین، آموزش ارتقای فرهنگ عمومی سازمانی، آموزش مدیریت گروه، آموزش نحوه رسیدگی به شکایات، بهره‌برداری از مراکز آموزش تخصصی و حرفه‌ای، آموزش استفاده از تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و آموزش‌های نوین استفاده از تجهیزات پلیس.

نتیجه‌گیری

نظام پیشنهادی پلیس جامعه‌محور: بر اساس نتایج تحقیق انجام شده، نظام پیشنهادی پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم به شرح زیر ارائه می‌شود:



نمودار 3: نمونه نهایی تحقیق



همانطور که در نمودار شماره سه مشاهده می‌شود، محیط‌های تأثیرگذار بر نظام پیشنهادی به ترتیب با درجه اهمیت 0/30 برای محیط اجتماعی، 0/27 برای محیط فرهنگی، 0/23 برای محیط اقتصادی و 0/20 برای محیط اقتصادی رتبه‌بندی شده‌اند (اندازه دایره‌ها نشانگر میزان تأثیر محیط‌ها است).

بر اساس نتایج به‌دست آمده در نمودار نهایی، شاخص‌های هریک از مؤلفه‌های، ساختاری، فردی، رویکردی و آموزشی، بر اساس نظر پاسخگویان، به ترتیب اولویت ذکر شده‌اند.

در ویژگی‌های ساختاری؛ به ترتیب شاخص‌های برخوردار از نظارت مردمی، هماهنگی با سایر سازمان‌ها، اعطای مشاغل بر مبنای شایستگی، ملموس بودن وظایف پیش‌گیرانه، وحدت هدف سازمان، داشتن تفویض اختیار، تقسیم کار مشخص، خودکفا در انجام مأموریت، وحدت در فرماندهی و غلبه صف بر ستاد از اولویت برخوردار هستند.

در ویژگی‌های رویکردی؛ شاخص‌های توسل به پیش‌گیری اجتماعی و حرفه‌ای بودن اهمیت دارند.

در ویژگی‌های فردی؛ به ترتیب شاخص‌های ایجادکننده فرصت مشارکت برای مردم، برخوردار از تیز فهمی و هوش، معتمد بودن، قدرت حل مسئله، دارای انگیزه، قدرت بیان، برخوردار از ظاهر آراسته، اخلاق و رفتار اسلامی، اعتماد به نفس، خودکنترلی، برنامه‌ریز و پیش‌بینی‌کننده آینده، متعهد، با تلاش و پشتکار قوی، وسعت نظر، فرصت‌شناس، سلامت جسمی و روانی، اصالت خانوادگی، قدرت تصمیم‌گیری، مثبت‌اندیش، آموزش‌دهنده، قاطعیت در کار، تحمل شکست و ناکامی، مستقل‌اندیش، سابقه مفید خدمتی و چالش‌خواهی از اولویت برخوردار هستند.

پیشنهادها

پیشنهادها در زمینه رویکردهای پلیسی، ساختار، ویژگی‌های فردی و اقدامات آموزشی پلیس جامعه‌محور بر اساس نتایج حاصل از تحقیق و همچنین طرح‌های تحقیقاتی تکمیلی و اجرای آزمایشی نظام ارائه شده به این شرح است:

الف) رویکردهای پلیسی: با نگاهی به نتایج به‌دست آمده در خصوص مؤلفه‌های رویکردی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که لازمه گذر از پلیس فعلی و دستیابی به

پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم، اقداماتی خواهد بود که منجر به نهادینه شدن مؤلفه اول (توسل به پیش‌گیری اجتماعی) در جامعه شود.

پلیس با رویکرد جامعه‌محور به دنبال این است که همه آحاد جامعه و نهادهای دولتی و مردم نهاد در پیش‌گیری اجتماعی، نقش‌آفرین و دارای سهم بوده و پیش‌گیری انتظامی که اولویت رویکرد پلیس فعلی است، در این گستره وسیع و پیچیده نمی‌تواند به تنهایی در کانون اقدامات مؤثر، نقش اول را ایفا می‌کند.

مؤلفه دوم و سوم رویکردی (توسل به پیش‌گیری‌های حرفه‌ای و وضعی)، چه در پلیس فعلی و چه در پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم در اولویت‌بندی یکسانی قرار داشته، ولی دخالت و نقش آنها در پلیس جامعه‌محور، مؤثرتر خواهد بود.

توسل به پیشگیری انتظامی در پلیس فعلی دارای وجاهت فراوانی است، زیرا در اوضاع کنونی پیشگیری و پیش‌بینی بر سایر رویکردها ارجحیت دارد و این مهم در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق پاسخگویان بیان شد. کما این‌که در آینده، چشم‌انداز پیشگیری اجتماعی به صورت مشارکت عمومی، پیشگیری انتظامی را کم‌رنگ می‌کند، بنابراین پیشنهاد می‌شود:

1- پیشگیری اجتماعی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که نقش سازمان‌ها و نهادهای مردمی در امر پیشگیری اجتماعی تبیین و معین شود.

2- تخصص و حرفه‌گرایی پلیس فعلی که با رویکرد انتظامی است، باید جای خود را به پلیس حرفه‌ای جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم و تک‌ریم‌کننده ارباب رجوع داده و نهادینه شود.

3- از طریق استفاده و توسعه تجهیزات و فناوری، پیشگیری وضعی در پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم تقویت شود.

4- روش‌های مقابله‌ای در پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم به حداقل ممکن کاهش یابد و رفتارهای پیش‌گیرانه اجتماعی به جای رفتارهای پیش‌گیرانه انتظامی، نهادینه شود.

(ب) مؤلفه‌های ساختاری: با نگاهی به نتایج به‌دست آمده در خصوص مؤلفه‌های



ساختاری، می‌توان گفت که در پلیس جامعه‌محور، پایش و نظارت مردمی بر عملکرد و اقدامات پلیس، مهم‌ترین مؤلفه و شاخص ارزیابی شده است. بنابراین توسعه و ارتقای کیفی مرکز نظارت همگانی (197) تا آخرین رده در ساختار پلیس که بتواند با تعامل مناسب، امکان پایش و نظارت مردمی را برای پلیس فراهم کند، امری ضروری به‌نظر می‌رسد.

در این رویکرد، پلیس خود را مجاب می‌داند تا اولویت‌های مأموریتی را بر پایه خواست‌ها، نیازها و سلیقه‌های مردم و جامعه تبیین کند و در انجام مأموریت‌ها، جلب مشارکت حداکثری را نشانه رود. ولی در پلیس فعلی، مأموریت‌ها و وظایف از طریق سلسله‌مراتب و از بالا به پایین تهیه و ابلاغ می‌شود و آنچه که در این رویکرد مورد دقت قرار می‌گیرد، انجام دقیق مأموریت‌ها براساس بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی بوده و تعاملات مردمی و اجتماعی در انجام مأموریت‌ها در این رویکرد، کم‌تأثیر ارزیابی می‌شود، بنابراین؛

- 1- معاونت طرح و برنامه و بودجه ناجا سازوکاری را برای تدوین و تصویب ساختار پلیس جامعه‌محور در دستور کار قرار دهد.
- 2- مرکز نظارت همگانی (197)، به‌منظور تعمیم نظارت مردمی و تسریع پاسخ‌گویی در سراسر کشور، به‌طور مستمر تا آخرین رده تقویت و گسترش یابد.
- 3- همکاری و هماهنگی با سازمان‌های درگیر در امر پیشگیری اجتماعی گسترش یابد.
- 4- شایسته‌سالاری از عوامل مؤثر تصدی مشاغل در پلیس جامعه‌محور است، بنابراین براساس برنامه‌ریزی مدون نسبت به شایسته‌گزینی از طریق مبادی ذی‌ربط ناجا اقدام شود.
- 5- نسبت به آموزش و فرهنگ‌سازی در خصوص نهادینه کردن وظایف پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم برای آحاد مردم و کارکنان پلیس اقدام شود.
- 6- برای هم‌سو کردن، استمرار و وحدت اهداف پیش‌گیرانه پلیس جامعه‌محور با سازمان‌های دیگر اقدام لازم به‌عمل آید.
- 7- برای افزایش ضریب تفویض اختیار در پلیس جامعه‌محور در راستای اعتمادسازی

بین کارکنان، اقدام لازم به‌عمل آید.

- 8- تقسیم کار حرفه‌ای به متخصصان آموزش دیده توسط معاونت طرح و برنامه و بودجه در تدوین ساختار پلیس جامعه‌محور به‌عمل آید.
- 9- طراحی روش‌های خودکفایی و جایگزینی مدیریتی در مأموریت‌های محوله توسط مبادی ذی‌ربط ناجا به‌عمل آید.
- 10- به‌منظور افزایش رضایت مردم، عوامل صفی، تقویت و ستاد، کوچک‌سازی شود.
- 11- دانایی‌محوری و مدیریت دانش در مأموریت‌ها، به‌جای روش‌های سلسله‌مراتبی و تمرکزگرایی تقویت شود.

ج) ویژگی‌های فردی: با نگاهی به نتایج حاصله در خصوص ویژگی‌های فردی، می‌توان گفت در پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم، پلیسی مدنظر است که بتواند با درایت، اقداماتی را انجام دهد که آحاد جامعه بتوانند با مشارکت حداکثری، پلیس را در مأموریت‌های جاری خود کمک و یاری کنند.

نتایج حاصله نشان می‌دهد، در پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم، اولویت نخست با مشارکت مردمی و پیش‌بینی سازوکار مناسب بوده و پلیسی در این رویکرد موفق خواهد بود که بتواند فرصت مشارکت مردمی را در حوزه مأموریتی خود فراهم کند. با این حال، مردم در صورتی با پلیس مشارکت خواهند کرد که اطلاعات شخصی، نحوه و میزان همکاری در دستگیری مجرمان، اطلاع‌رسانی به‌موقع وقوع جرایم و... نزد پلیس مخفی بماند، بنابراین معتمد بودن پلیس نقش مستقیم در میزان مشارکت مردم خواهد داشت.

آنچه که در مؤلفه‌های فردی پلیس فعلی مورد توجه است و در اولویت قرار دارد عبارت از؛ متعهد بودن، اصالت خانوادگی و رفتار اسلامی پلیس است که این مؤلفه‌ها در پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم نیز رتبه‌های بالایی را در نتایج به‌دست آمده کسب کرده‌اند و نشان می‌دهد که تعهد، اصالت و رفتار پلیس، لازمه مشارکت مردمی است. اما در پلیس فعلی، ایجاد فرصت جهت مشارکت مردمی در ارزیابی پلیس در اولویت بیست‌وسوم قرار داشته و کم‌تأثیر است، بنابراین با توجه به تأثیرگذاری بسیار



زیاد شاخصه «ایجاد کننده فرصت مشارکت برای مردم»، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

1- معاونت نیروی انسانی ناجا با استفاده از کارشناسان علوم اجتماعی، روان‌شناسان خبره و کارشناسان مجرب انتظامی، افراد دارای روابط عمومی مطلوب، قدرت مشارکت، تعامل اجتماعی، معتمد، دارای قدرت حل مسئله، دارای انگیزه، قدرت بیان، اخلاق و رفتار اسلامی، خود کنترل، متعهد و برنامه‌ریز را جذب و به‌کارگیری کند.

2- معاونت نیروی انسانی ناجا با انجام آزمون‌های تعیین بهره هوشی، نیروهای توانمند را جذب و به‌کارگیری کند.

3- با توجه به رتبه پایین شاخصه «سابقه مفید خدمتی» در پلیس جامعه‌محور، می‌توان پیشنهاد کرد که در به‌کارگیری نیروها در امر پیشگیری از جرم، به نیروهای جوان که دارای سایر شرایط تأثیرگذار در امر جامعه‌محوری هستند، توجه بیشتری شود.

د) اقدامات آموزشی: 1- با توجه به نتایج حاصله در خصوص مؤلفه‌های آموزشی،

مشخص می‌شود که آموزش پیش‌گیری از جرم که اساس مأموریت پلیس است، در اولویت آموزش‌های مورد نظر پلیس جامعه‌محور قرار دارد. زیرا همان‌طور که معتقدیم، هزینه‌های پیش‌گیری از جرم بسیار کمتر از وقایع و حوادث بعد از وقوع جرم است، بنابراین اولویت‌گذاری بر اهمیت آموزش پیشگیری از جرم تکیه دارد. این در حالی است که در پلیس فعلی، آموزش پیش‌گیری از جرم در توان‌افزایی پلیس کم‌تأثیر ارزیابی شده و در اولویت هشتم قرار دارد، بنابراین آموزش پیشگیری از جرم برای تربیت پلیس جامعه‌محور پیشنهاد می‌شود.

2- از نکات بارز دیگر نتایج به‌دست آمده، اولویت آموزش‌های رفتاری است که این مؤلفه در پلیس فعلی به عنوان مؤلفه کم‌تأثیر و در سطح کمتر از میانگین قرار دارد، بنابراین این آموزش‌ها برای تربیت پلیس جامعه‌محور پیشگیری کننده از جرم پیشنهاد می‌شود.

3- نکته حائز اهمیت دیگر این است که در پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم، آموزش مشارکت به‌عنوان یک اولویت مهم و دارای تأثیرگذاری بالا ارزیابی شده است. از سوی دیگر یکی از اصول مهم این رویکرد پلیسی، ایجاد فرصت مشارکت به

منظور هم‌سو کردن مردم و پلیس است که آموزش همگانی یکی از نقش‌آفرین‌ترین مؤلفه‌ها برای دستیابی به این هدف تلقی می‌شود. در مورد نتایج به‌دست آمده درخصوص آموزش مشاوره و مددکاری اجتماعی در پلیس، ذکر این نکته لازم است که در بخشی از کشور و در اغلب کشورهای پیشرفته، این بخش یکی از متنوع‌ترین مأموریت‌های پلیس را در طبقات مختلف سنی و اجتماعی مانند؛ رسیدگی به امور اطفال و کودکان، زنان بزه‌دیده، حل اختلاف خانوادگی، رسیدگی به دادخواست‌های مشاوره‌ای و ... تشکیل می‌دهد، بنابراین آموزش همگانی برای زمینه‌سازی تشکیل پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم پیشنهاد می‌شود.

Archive of SID



منابع

- انصاری رنای، قاسم؛ مجیدی، عبدالله (1387). «رفتار شهروندی سازمانی کارکنان پلیس جامعه‌محور». فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره سوم و چهارم، صص 7-22.
- اتکینسون، آن (1385). «پلیس جامعه‌محور در مدرسه». ترجمه سروش بهربر، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- بیات، بهرام؛ شرافتی‌پور، جعفر؛ عبدی، نرگس (1387). «پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور». تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- ترویانوویچ، رابرت؛ باکوروکس، بانی (1383). «پلیس جامعه‌محور». گروه مترجمین، مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه و بودجه ناجا، تهران: نشر فرات.
- جهانتاب، محمد و داودی، ابراهیم (1391). «ارتقای مشارکت محلی در پیشگیری از جرم». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال هفتم، شماره بیست‌ودوم، صص 107-128.
- حسینی، رضا (1389). «آسیب شناسی رویکرد جامعه‌محوری در نیروی انتظامی». فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره سوم و چهارم، صص 107-133.
- صفاری، علی (1380). «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم». مجله تحقیقات حقوقی، سال سوم، شماره 33 و 34، صص 290-308.
- رایبیز، استیفن (1379). «تئوری سازمان». ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانائی فرد، تهران: انتشارات صفار.
- نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد؛ سرکشیکیان، محمد حسین (1390). «پیشگیری از جرم از نظریه تا عمل با تاکید بر نقش پلیس». تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری، صص 267-322.
- قهرمانی، علی‌اکبر (1390). «پلیس جامعه‌محور؛ نقش مشارکت مردم در پیشگیری از وقوع جرم». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره هجدهم، صص 7-32.
- کارن، ام‌هس؛ لیندا، اس‌میلر (1382). «پلیس در اجتماع». ترجمه محمدرضا کلهر، تهران: معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- کریمی خوزانی، علی (1389). «تدوین معیارهای اخلاقی کارکنان پلیس». فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره سوم، صص 96-111.
- لیبست، سیمو مارتین (1382). «دایره‌المعارف دموکراسی». ترجمه کامران خانی و نوراله مردانی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مشیرزاده، حمیرا (1381). «درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی». تهران: نشر پژوهشکده امام

خمینی و انقلاب اسلامی.

- مجیدی، عبدالله (1385). «ویژگی‌های سازمانی پلیس جامعه‌محور». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال اول، شماره اول، صص 162-172.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب 1370.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (1384). «حقوق اداری». جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرخلیلی، سید محمود (1378). «رساله پیشگیری از بزهکاری». قم: مجتمع آموزش عالی قم.
- Webster, Meriam. (1978). Webster's New Universal Dictionary. New York: Webster's International Press.